

رسول پویان

موج اقیانوس

موج اقیانوس مستم سرکشی دین من است
دانه های درّ و گوهر طوق زرین من است
قصه فرمانبری بس کن که دلتنگم کند
جنبش و عصیانگری فرهنگ دیرین من است
در شب تاریک بیم از موج دریاها مکن
چلچراغ عشق جانان ماه و پروین من است
تا دعای مردم میهن بود خورشید راه
نیست باکی گر زبان خصم نفرین من است
پشت پا زد بر سریر سلطنت طبع بلند
گنج ها پنهان به ویرانگاه مسکین من است
شور و غوغای طرب از دل نمی آید برون
تا که خون عشق و مستی درشربین من است
با توکل می فشانم گوهر عشق و صفا
خوش دلم با کینه جاهل که بد بین من است
گل به خارستان میهن پرورم با خون دل
جلوه جوش شقایق ذوق رنگین من است
صد نهالستان معنا سر زد از تاریخ دل
حال و مستقبل نماد دور پیشین من است
محتسب بیهوده بالا می کند شلاق کین
رسم تبعیض و تعصب ضد آیین من است
صبح استقلال و آزادی دمد از قعر شب

تا که خورشید تمدن نور کابین من است
در ترازوی عدالت می کشم حق و حقوق
طرح آبادی میهن عزم راستین من است
از خمارستان چشمی خورده ام دُرد شراب
مست و مدهوشم دعای عشق آمین من است
تیروشمشیر و تفنگ و برچه را بشکسته ام
واژه و بیت و غزل زور تبرزین من است
صد نیستان ناله برخیزد ز ساز دل هنوز
پایکوبی جلوه یی از ناز و تمکین من است

2014/7/4